

مراجعه (Murabaha) ابزار برای پوشش ریسک در نظام مالی اسلامی

محمد طایفه
(انجمنی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت)

چکیده
با گذشت زمان ابزارهای نوین مالی و سرمایه‌گذاری جدید آمده‌اند که ابزارهای نوین مالی اسلامی نیز از این مشموله هستند. در طول زمان شاهد رشد آن‌ها هستیم. یکی از اهداف فرستادگان و گسترش این ابزارها و نوآوری‌ها تکمیل نظام مالی اسلامی بوده است. اما در این میان ما برای نوآوری‌های مالی اسلامی با چالش‌های جدی با تمام ریسک‌ها مواجه شده‌ایم. ریسک‌هایی که توانایی انجام فعالیت‌های اقتصادی در نظر گرفته شده در سیستم نوین مالی و فعالیت ابزارهای جدید با استفاده از آن‌ها به هدف پوشش ریسک‌ها فعالیت‌های خودرست‌یافته و در نهایت سودآوری خود را تثبیت کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای نوین مالی که راه‌حلی است که برای اهداف پوشش ریسک نیز کار دارد، مراجعه به استفاده از ابزارهای مالی اسلامی است. در این مقاله به بررسی ریسک‌های مالی که در این نظام مالی اسلامی به‌کار می‌رود (مشقات) نظیر ریسک بازاری نیز خواهیم پرداخت. در این مقاله ضمن تشریح ویژگی‌های نظام مالی اسلامی، سازوکار نوآوری‌های مالی را تشریح کرده و

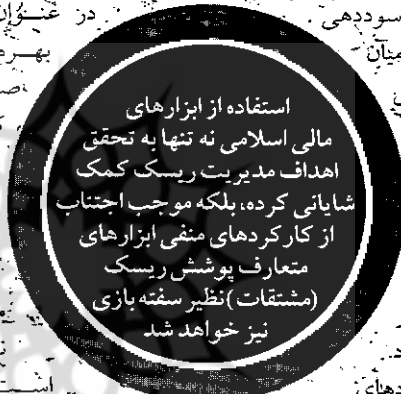
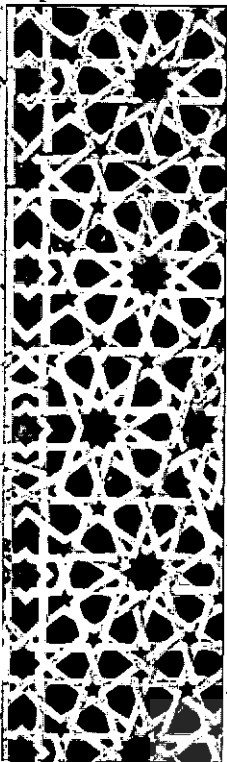
نحوه مدیریت و پوشش ریسک برخی از ریسک‌های متعارف ریسک نقدینگی و ریسک نرخ
 نظیر ریسک نرخ بازده، ریسک نقدینگی و ریسک نرخ ارز در ارزش است.
 نظام مالی اسلامی تبیین خواهد شد.

فلسفه و هدف نظام مالی اسلامی

در ادبیات مالی اسلامی، نظام مالی اسلامی شبکه‌ای از ابزارهای مالی، هزارهای مالی و نهادهای مالی اسلامی است که در چارچوب اصول و مبانی اسلامی وظیفه نقل و انتقال وجوه را از جایی که مازاد توان به نقش واسطه‌ای اشاره کرد که میان پس انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران دارد. هم چنین میزان رشد و توسعه یک جامعه نیز بوسیله این شبکه تعیین می‌شود. علاوه بر کارکردهای طبیعی، حجم کلانی از بدهی‌های دولتی در اختیار این شبکه بوده و بوی نظم‌های بخش مالی که منجر به افزایش عدم اطمینان و ریسک می‌شود را نیز تحت نظارت دارد. کاهش در غشویان بدون بهره تصویر صحیحی از کل نظام را منعکس نمی‌کند، اما باید تاکید کرد که بدون شبکه ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره رکن اصلی این نظام را تشکیل نمی‌دهد (میرزایی، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

اوزگان کلیدی

مراجعه پوشش ریسک، نظام مالی اسلامی، شفته‌بازی
 شبکه مالی تقبیل بسناری حیاتی در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا می‌کند. بسیاری از مشکلات اقتصادی را می‌توان از طریق این شبکه حل کرد. از مهم‌ترین نقش‌های این شبکه می‌توان به نقش واسطه‌ای اشاره کرد که میان پس انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران دارد. هم چنین میزان رشد و توسعه یک جامعه نیز بوسیله این شبکه تعیین می‌شود. علاوه بر کارکردهای طبیعی، حجم کلانی از بدهی‌های دولتی در اختیار این شبکه بوده و بوی نظم‌های بخش مالی که منجر به افزایش عدم اطمینان و ریسک می‌شود را نیز تحت نظارت دارد. کاهش در غشویان بدون بهره تصویر صحیحی از کل نظام را منعکس نمی‌کند، اما باید تاکید کرد که بدون شبکه ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره رکن اصلی این نظام را تشکیل نمی‌دهد (میرزایی، ۱۳۸۰، ص ۲۰).



استفاده از ابزارهای مالی اسلامی نه تنها به تحقق اهداف مدیریت ریسک کمک شایانی کرده، بلکه موجب اجتناب از کارکردهای منفی ابزارهای متعارف پوشش ریسک (مشتقات) نظیر سفته‌بازی نیز خواهد شد

در عنوان مثال رابطه میان تامین کنندگان و استفاده کنندگان از سرمایه بر مبنای همکاری و تقسیم عادلانه ریسک بازده است. نظام مالی اسلامی از هر گونه روابط خصمانه، ظالمانه و ناسازگار به دور است. به عبارت دیگر، هدف نظام مالی اسلامی کارایی در تسهیم ثروت و مهم‌تر از آن به کارگیری سرمایه برای رسیدن به بهره‌وری است و از احتکاز منابع سرمایه‌ای اجتناب دارد (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

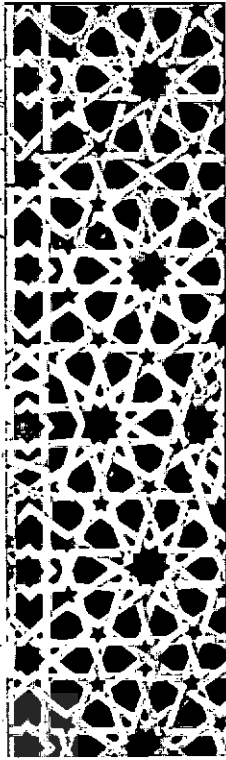
اصول و مبانی نظام مالی اسلامی

۱- حرام بودن ربا
 در اصطلاح فقهاربا، معاوضه مالی با مالی دیگر است که این دو اولاً هم جنس باشند، ثانیاً با کیل یا وزن اندازه گیری شوند یا به طور کلی هر گونه قرض دادن به شرط زیادت از آنچه قبلاً معاوضه ذکر شده است تا شامل همه معاملات و معاوضات باشد و اعم از بیع باشد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۳۶).

۲- مشارکت در سود و زیان

از آن جا که دریافت بهره حرام است، تامین کنندگان سرمایه،

تدریجی اعتماد عمومی نسبت به قابلیت سوددهی و ثبات نهادهای مالی مهم و رقابت شدید میان مؤسسات خدمات مالی در عرضه بین المللی از دیگر خورده‌های تحت نظارت این شبکه است. بنابراین، وجود یک شبکه مالی کارآ و توسعه یافته برای اقتصادهای در حال رشد و هم چنین رشد و رونق اقتصادی ضروری است. از مهم‌ترین بخش‌های نظام مالی اسلامی می‌توان به خدمات و ابزارهای مالی اسلامی اشاره کرد. یکی از ابزارهای تامین مالی اسلامی، قرض‌های سرمایه‌گذاری کالاها به صورت مرابحه است که در حدود ۷۰٪ معاملات کوتاه مدت و میان مدت بازار پول را در خواورمیانه به خود اختصاص داده است. این ابزار در سال ۱۹۹۷ معرفی شده و روشن ساده‌ای به منظور تامین مالی کالاهای خریداری شده بیشتریان بر مبنای اصول اسلامی است. مرابحه یک نوع قرارداد فروش است که در آن فروشنده هزینه و سود را اعلام می‌کند. فروشنده می‌پذیرد که دارایی مورد نیاز مشتری را خریداری کند و آن را به قیمتی بالاتر و توافق شده به وی بفروشد. پرداخت این مبلغ با توجه به توافق دو طرف می‌تواند نقدی و یا به صورت اقساط باشد. به رغم همه پیشرفت‌هایی که در این مدت کوتاه در نهادهای مالی اسلامی در جهان صورت گرفته این گونه نهادها هنوز با کمبودهای بسیاری در مجوده ابزارهای تجهیز و مصرف منابع و بالاخص در زمینه مدیریت ریسک مواجه هستند. از این رو هرگوشی در جهت نوآوری در زمینه‌های مذکور به ویژه در زمینه مدیریت ریسک، اقدامی بسیارموجه خواهد بود. نهادهای مالی اسلامی به دلیل نوع فعالیت‌هایشان (ساختار داری‌ها و جدهی‌ها) علاوه بر ریسک‌های متعارف با ریسک‌های منحصر به فرد این نهادها نیز روبرو هستند. یکی از کارکردهای قرارداد مرابحه مدیریت و پوشش ریسک می‌باشد. از جمله ریسک‌هایی که می‌توان با استفاده از این ابزار می‌توان پوشش داد، ریسک نرخ بازده،



سرمایه گذار محسوب می شوند. بنابراین کار آفرین و سرمایه گذار اگر نخواهند در سود سهیم باشند، باید در خطر تجاری هم شریک شوند. مشارکت در سود و زیان موجب حذف استقراض ربوی می شود.

۳- پول به مثابه سرمایه بالقوه

پول به مثابه وسیله مبادله استفاده می شود. پول در واقع وسیله ای است که می توان ارزش اشیا را با آن اندازه گیری کرد ولی پول به خودی خود هیچ ارزشی ندارد، لذا پول به خودی خود قدرت زایندهگی ندارد، در حالی که در نظام رسوبی، پرداخت بهره ثابت به وسیله یک بانک یا مؤسسه مالی ایجاد نوعی زایندهگی برای پول است. به گفته شهید مطهری، خود پول دارای ارزش واقعی نیست و اگر ارزش پولی خود را بازی کند و مانند سایر کالاها قیمتش نوسان می یابد (مطهری، ۱۳۸۰). ارزش پول در مبادلات بدست می آید در حالی که کالاها دارای ارزش واقعی هستند. به عبارت دیگر، ارزش پول از اعتبار آن نشأت می گیرد.

داشت نمی توانست نقش پولی خود را بازی کند و مانند سایر کالاها قیمتش نوسان می یافت (مطهری، ۱۳۸۰). ارزش پول در مبادلات بدست می آید در حالی که کالاها دارای ارزش واقعی هستند. به عبارت دیگر، ارزش پول از اعتبار آن نشأت می گیرد.

۴- ممنوعیت بخشی از عملیات سفته بازی

سفته بازی از نظر اصطلاحی به خطر انداختن کالا یا سرمایه در مواجهه با عدم اطمینان است که معمولاً تضمین گیری در شرایط جدس و گماف ضرورت می گیرد. در این اصطلاح سفته بازی نوعی فعالیت اقتصادی است که با هدف دستیابی به سود از طریق پیش بینی تغییرات قیمت انجام می شود. انگیزه اصلی سفته بازان کسب سود به هر طریق ممکن است (ضالغ آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۴). هر تصمیم در شرایط ریسکی سفته بازی مخصص نمی شود. بر اساس درجه و نوع ریسک و اعمالی که برای کسب سود انجام می شود می توان میان سفته بازی اعتراض آمیز و غیر اعتراض آمیز تمیز قائل شد. منظور از سفته بازی اعتراض آمیز، نوعی از سفته بازی است که با شریعت اسلامی سازگار نیست و سفته بازی غیر اعتراض آمیز نوعی از سفته بازی است که با شریعت اسلامی مطابقت دارد. سفته بازی اعتراض آمیز جنبه های زیر را شامل می شود:

- دست کاری قیمت، و سیوفا دادن قیمت به نسوی قیمت

3. Speculation

- ناعادلانه
- جهل در معاملات
- غرر در معاملات
- تبانی در معاملات
- اشتهاع کذب و ارائه اطلاعات غلط و گمراه کننده
- انجام معاملات ضروری و دست کاری ناعادلانه بازار
- معاملات مبتنی بر اطلاعات داخلی، در صورتی که موجب عین طرف مقابل شود.

ایفای تعهدات

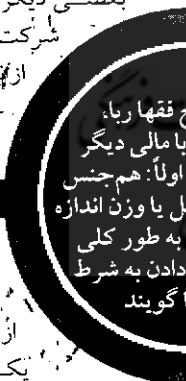
اسلام دینی است که نسبت به اجرای کامل تعهدات و افشای اطلاعات تاکید می ورزد. این ویژگی باعث می شود که خطر اطلاعات نادرست و زیان های اخلاقی از بین رود. تعهد عبارتست از توافقی که بین طرفین برای انجام موضوع آن یا عدم انجام آن صورت گرفته باشد و بر اساس این توافق، متعهد در خصوص ایفا یا عدم ایفا ملزم و مکلف است و هرگاه خلاف توافق عمل کند مسئول است. نص صریح قرآن کریم امر به ایفای تعهدات و عقود کرده است. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

چون با خدا و رسول و بندگان خدا عهد بسته، به آن وفا کنید. و هرگز سوگند و پیمان را که موکد و استوار گردید نشکنید. چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته اید و خدا به هر چه می کنید آگاه است.

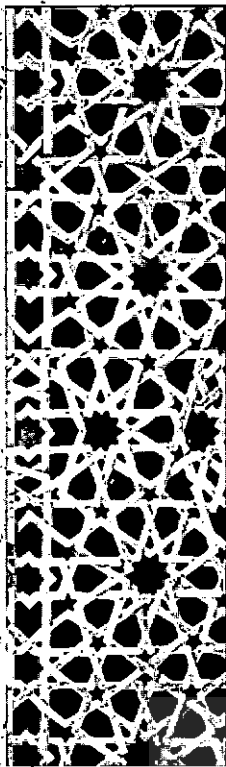
۶- ممنوعیت فعالیت های نامشروع

بعضی از فعالیت ها از نظر اسلام جزء مکاسب مجرمه و بعضی دیگر، حلال و موصوب دین اسلام است. شرکتهای نباید در فعالیت هایی شرکت کنند که از نظر اسلام مجاز باشند و علاوه بر آن، خود شرکت نباید عملی انجام دهد که با مبانی دین مبین اسلام تناقض داشته باشد.

یعنی شرکت نباید در فعالیت های غیر اسلامی سرمایه گذاری کند و نباید از طریق غیر اسلامی تامین مالی کند. یکی از جنبه های تسواری در صنعت خدمات مالی اسلامی، طراحی ابزارهایی است که منطبق بر قوانین شرعی است. مبانی مربوط به معاملات در صنعت مالی اسلامی این ابزارها را از ابزارهای متعارف متمایز می سازد. ابزارهای بدهی اسلامی نیز از ابزارهای بدهی متعارف بسیار متفاوت است. سبب اختار ابزار بدهی کلاسیک بر فرض دادن مبتنی بر بهره استوار است. تامین مالی در اسلام از طریق بدهنی و با قرارداد معاوضه دو کالا و یا عقد معاوضه انجام می گیرد. در حالی که در تامین مالی متعارف فقط سپید بدهی مطرح است. در قراردادهای تامین مالی اسلامی وجود دارایی موضوعیت دارد. یکی از قراردادهای بدهی اسلامی، مرابحه



باشد. یعنی شرکت نباید در فعالیت های غیر اسلامی سرمایه گذاری کند و نباید از طریق غیر اسلامی تامین مالی کند. یکی از جنبه های تسواری در صنعت خدمات مالی اسلامی، طراحی ابزارهایی است که منطبق بر قوانین شرعی است. مبانی مربوط به معاملات در صنعت مالی اسلامی این ابزارها را از ابزارهای متعارف متمایز می سازد. ابزارهای بدهی اسلامی نیز از ابزارهای بدهی متعارف بسیار متفاوت است. سبب اختار ابزار بدهی کلاسیک بر فرض دادن مبتنی بر بهره استوار است. تامین مالی در اسلام از طریق بدهنی و با قرارداد معاوضه دو کالا و یا عقد معاوضه انجام می گیرد. در حالی که در تامین مالی متعارف فقط سپید بدهی مطرح است. در قراردادهای تامین مالی اسلامی وجود دارایی موضوعیت دارد. یکی از قراردادهای بدهی اسلامی، مرابحه



(تجارت همگرا به سود) است که در قسمت بعد توضیح داده شد. کالای خاص نظیر زمین، ساختمان،

ماشین، کالا، تجهیزات، لوازم خانه و دیگر دارایی‌های محسوس از بانک یا دیگر نهادهای مالی تقاضای تأمین مالی می‌کنند. بانک نیز به محض این که وجه نقد را در اختیار مشتری قرار دهد، پیشنهاد خرید آن کالا را از یک شخص ثالث به مشتری می‌دهد و سپس آن کالا را بر اساس یک قیمت (هزینه کالا به اضافه سود مؤسسه مالی) به مشتری می‌فروشد. مشتری باید علاوه بر تقاضای کالای مورد نیاز از بانک یا

مؤسسه مالی، اطلاعات کافی را نیز از قیمت، ماهیت و در دسترس بودن کالای مورد نظر در اختیار بانک یا مؤسسه مالی قرار دهد. البته این حق برای بانک محفوظ است که نسبت به صحت اطلاعاتی که مشتری در اختیار او گذاشته است، اطمینان حاصل کند. پس از آنکه بانک از قابل قبول بودن انجام این پروژه اطمینان حاصل کرده، مشتری را از خاستگاه سود تأمین مالی کالای مورد نظر مطلع می‌سازد. در برخی

از بانک‌های اسلامی چنین فعلیتی به سند «تعهد برای خرید یا فروش» نام گذاری شده است. هم چنین در این نوع قراردادها، خریدار از قیمت خرید دارایی از فروشنده اطلاع دارد و توافق می‌کند که مقداری بیش از قیمت خرید به بانک بپردازد. مراحله در حقیقت توافق در مورد یک معامله خرید و فروش برای تأمین مالی یک دارایی است که در آن هر دو طرف از هزینه‌ها و حاشیه سود اطلاع دارند و آن را قبول کرده‌اند. ضمناً دو طرف قرارداد در مورد شرایط مکان تحویل

می‌شود.

مراحله
یکی از ابزارهای تأمین مالی کوتاه مدت که توسط بانک‌های و نهادهای مالی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مراحله نام دارد. این ابزار برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ معرفی شد و از شادترین روش‌های تأمین مالی است که با قواعد اسلامی مطابقت دارد. واژه مراحله از واژه «ربح» مشتق شده است که به معنای سود یا منفعت می‌باشد. یکی از واژه‌هایی که معادل مراحله به کار رفته است تأمین مالی «اضافه بر

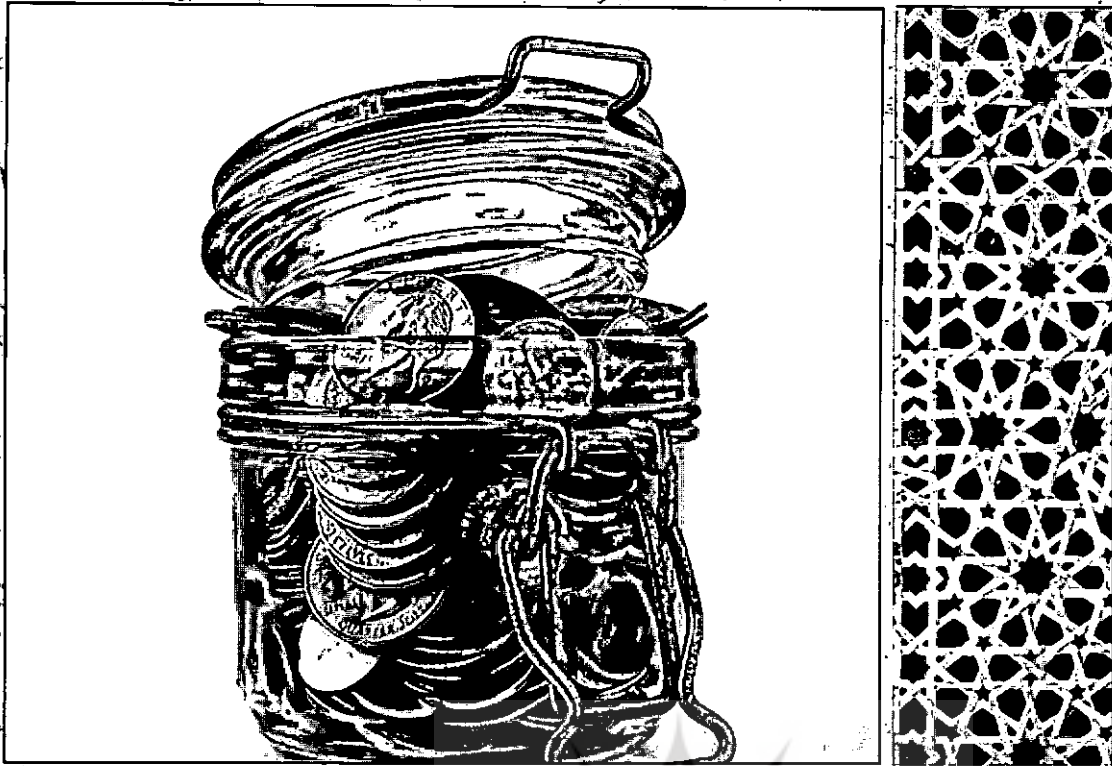
وجود کالاها و در دسترس بودن آن‌ها شرط اساسی امضای قرارداد مراحله است بنابراین بانک باید ابتدا کالای مورد تقاضای مشتری را مطابق با ویژگی‌های خواسته شده خریداری کرده و پیش از امضای قرارداد مراحله کالا را در تملک داشته باشد

هزینه» نام دارد. این نام گذاری به دلیل آن است که در این نوع قرارداد، نهادهای مالی سودی را علاوه بر هزینه کالای فروش رفته دریافت می‌کنند. از دیگر واژه‌هایی که

برای عملیات مالی مبتنی بر مراحله به کار رفته است می‌توان به «فروش موجه»، «برنامه‌های پشتیبانی تولید» و قراردادهای «خرید-فروش» اشاره کرد. ستاز و رکاز این نوع قراردادها به این صورت است که مشتری برای خرید یک

- 4 Cost-plus
- 5 Deffered sale
- 6 Production Support Programs
- 7 Sale-Purchase

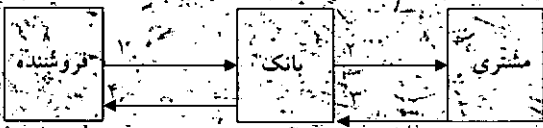
8. Promise to Buy/Sell



معامله از این قرارداد خارج شود و بانک یا دگر معروض ریسک قرار دهد. اما با توجه به این که دو طرف قرارداد مسلمان هستند، وضعی دارند تا در تعهدات خود بر مبنای اخلاق اسلامی رفتار کنند چنانچه احتمالی کاهش می یابد از طرف دیگر قرارداد مباحه را در صورتی می توان در دوره معاملات واقعی قرار داد که استناد از دقایق اسلامی

را از جنبه تنجیز عقد بیع شامل شیوه نامه منظور تحقیق این شرط می توان قرارداد مباحه را در دو مرحله منعقد ساخت. در مرحله اول، مشتری متقاضی انعقاد قرارداد مباحه شده و متعهد می شود که کالای درخواستی خود را خریداری نکند. این تعهد به منزله یک الزام قانونی نیست بلکه ممکن است مشتری از تعهد

و قول خود بترسد در چنین شرایطی بانک یا ریسک از دست دادن وجه نقدی روبرو خواهد شد. که برای خرید کالا مصرف کرده است. در مرحله دوم، مشتری کالا را که توسط بانک ذخیره شده است بر اساس قرارداد مباحه بندی شده خریداری می کند. به عبارت دیگر قرارداد مباحه را می توان در قالب دو قرارداد فروش انجام داد که در یکی از این قراردادها، بانک کالای مورد نیاز مشتری را تهیه کرده و در قرارداد دیگر آن را به صورت یک معامله واقعی به مشتری می فروشد.



سود قرارداد مباحه با توافق طرفین تعیین می شود و می تواند به صورت مقطوع یا درصدی از بهای کالا باشد، اما نمی تواند تابعی از زمان باشد زیرا شبیه ربا پیش می آید

و روش های پرداخت توافق حاصل می کنند. پرداخت این مبلغ با توجه به توافق دو طرف می تواند نقدی یا به صورت اقساط باشد که معمولاً این مبلغ به صورت اقساط پرداخت می شود. همانطور که گفته شد، مباحه برای تأمین مالی فعالیت های سرمایه گذاری در یک صنعت یا تجارت و یا نیازمندی های فردی مناسب است. بر این اساس، دو نوع مباحه را می توان نام برد: ۱. مباحه تجاری که به دنبال پاسخگویی به نیازهای

تجاری و معاملاتی موسسات مالی است
 ۲. مباحه فردی که برای تأمین مالی افراد و خانوار کاربرد دارد.
 مباحه به شکل گسترده ای توسط بانک های اسلامی استفاده می شود تا نیازمندی های تأمین مالی بخش های مختلف اقتصاد نظیر: صنعت، کشاورزی، معاملات داخلی، ساختمان و اهلاکی، حمل و نقل، معاملات بین المللی و... را پوشش دهد. بررسی ها نشان می دهد که ۷۰ تا ۸۰ درصد عملیات تأمین مالی برخی از بانک های اسلامی از طریق مباحه انجام می گیرد. البته این نکته را باید متذکر شد که نسبت استفاده بانک ها از این ابزار متفاوت است. ابزار مباحه تنها در شرایطی مورد استفاده قرار می گیرد که از مضاربه و مشارکت نتوان استفاده کرد. هم چنین استانداردهای حسابداری مورد استفاده برای قرارداد مباحه و نحوه ایشیا و آرايه آن در صورتهای مالی در بانک های مختلف متفاوت است. ممکن است این نکته به ذهن متبادر شود که از نظر قوانین اسلامی هیچ گونه اجبار قانونی برای انجام تعهد در این نوع قرارداد برای مشتریان وجود ندارد و مشتری می تواند با تغییر ذهنیت خود نسبت به این

۱- انتقال مالکیت کالا به بانک

۲- انتقال مالکیت کالا به مشتری

۳- پرداخت بهای قرارداد (P+X)

۴- پرداخت قیمت خرید

مراجعه باید به عنوان آخرین مرحله

قبل از تحویل کالا منعقد شود.

نتایج مهم بزرگرفته از شرایط

فقهی

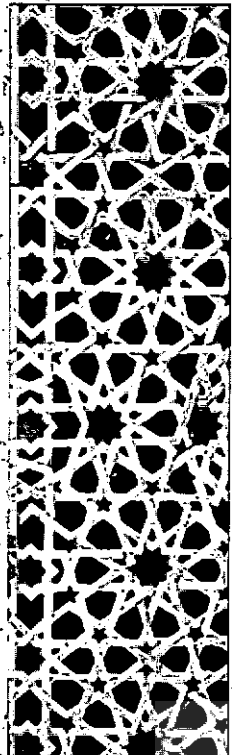
۱) استفاده از مرابحه برای تأمین مالی به دلیل گریز از ربا است و نهی توان کیفیت که مرابحه ابزار ابده آلی برای دستیابی به اهداف واقعی اقتصاد اسلامی است. بلکه استفاده از این ابزار صرفاً در مرحله گذار و رسیدن به اقتصاد اسلامی آینده آل و توجیه پذیر است. به همین دلیل محدود به شرایطی می شود که امکان استفاده از مضاربه و مشارکت وجود ندارد.

احکام و ضوابط فقهی قرارداد مرابحه

از آن چه تاکنون گفته شد می توان دریافت که مرابحه نوعی بیع است که می تواند به صورت نقدی یا مدت دار صورت پذیرد. تنها ویژگی آن که وجه مشخصه تمایز آن از سایر انواع بیع می باشد توافق خریدار و فروشنده در مورد میزان سود و آگاهی خریدار از بهای تمام شده کالا برای فروشنده است. بنابر این مرابحه باید کلیه احکام فقهی بیع را رعایت کند. از طرفی برخی از احکام فقهی نیز مخصوص بیع مرابحه است که از آن ها به عنوان احکام فقهی خاص بیع مرابحه یاد می شود.

احکام و ضوابط فقهی خاص بیع مرابحه

۱) وجود کالاها و در دسترس بودن آن ها شرط اساسی امضای قرارداد مرابحه است بنابر این بانک باید ابتدا کالای مورد تقاضای مشتری را مطابق با ویژگی های خواسته شده خریداری کرده و پیش از امضای قرارداد مرابحه کالا را در تملک داشته باشد. ۲) سود قرارداد مرابحه با توافق طرفین تعیین می شود و می تواند به صورت مقطوع یا درصدی از بهای کالا باشد، اما نمی تواند تابعی از زمان باشد زیرا شبهه ربا پیش می آید. ۳) قرارداد مرابحه تنها هنگامی معتبر است که تمامی هزینه های تملک کالا توسط فروشنده برای خریدار کاملاً مشخص و مستند باشد. بنابراین اگر محاسبه هزینه های تملک کالا ممکن نیست، نمی توان کالای مورد مرابحه را با بیع مرابحه فروخت. ۴) کالای مورد معامله در این قرارداد باید کالای حقیقی باشد و در معامله اسناد اعتباری با باروش مرابحه جایز نیست. ۵) استفاده از شرایط بیع متقابل در قرارداد مرابحه جایز نیست. ۶) این ترتیب بانک نمی تواند ثمن معامله را در مقابل دریافت کالای دیگری که در قالب قرارداد مرابحه مجزایی، بین خریدار به عنوان فروشنده و بانک به عنوان خریدار بر او گذاری آن توافق شده است دریافت کند. ۷) فاکتور صادره از سوی فروشنده کالا باید به عنوان بانک صادر شود و حتی اگر کتبی باشد این طرف بانک برای دریافت فاکتور یا کالای مورد نظر معرفی شود، باز هم فاکتور نه نام بانک صادر شود تا مالکیت بانک بر اموال موضوع قرارداد مرابحه محرز شود. ۸) همان گونه که مشتری متعهد به خرید کالاست، بانک نیز باید متعهد به تحویل کالای مورد معامله در قرارداد مرابحه در زمان و مکان معین شود. ۹) سایر ویژگی های مشخص شده در قرارداد، به مشتری بستگی دارد. بانک می تواند در قراردادهای مرابحه، جریمه ای برای خریدار، هر صورت قصور از پرداخت بهای کالای مورد توافق در نظر بگیرد اما طبق قوانین شرع استفاده از جریمه به عنوان ضایع در مذهب بانک اسلامی مجاز نیست و باید صرفت مصارف خیریه شود.



مشارکت وجود ندارد. کاربرد مرابحه به عنوان گواهی اعتبار اسنادی یکی از کاربردهای جالب توجه قرارداد های فروش مبتنی بر مرابحه، انتشار گواهی اعتبار اسنادی (L/C) است. گواهی اعتبار اسنادی در بانک اسلامی می تواند به صورت زیر منتشر می شود:

۱) ابتدا مشتری با تهیه یک تقاضا نامه که به صورت حساب کالاها ضمیمه شده است، همه جزئیات و اطلاعات ضروری را ارائه می کند. سپس مشتری از بانک تقاضا کرده تا یک گواهی معتبر اعتباری برای او باز کرده تا بتواند کالاهای خود را از خروج کشور وارد کند.

۲) بعد از این که بانک نسبت به تضمین مورد نیاز اطمینان پیدا کرد و تقاضا نامه نیز بررسی شد، مطابق با درخواست مشتری یک گواهی سند اعتباری باز شده و دو نسخه کپی از آن برای بانک طرف معامله و هم چنین صادر کننده می فرستد.

۳) در این مرحله مشتری تعهد خرید

۴) صادر کننده ترتیبی را اتخاذ کرده تا کالاهای صادر شده و اسناد مربوطه را به بانک طرف معامله در خارج کشور تحویل می دهد. همچنین می تواند کالاهای منتقل شده و بانک طرف معامله نیز بانک داخلی را مطلع ساخته و اسناد را نیز می فرستد.

۵) بعد از تایید مالکیت کالاها توسط بانک داخلی (که مالکیت اسناد این متضاله را نشان می دهد)، قرارداد فروش میان مشتری

۶) قرارداد مرابحه در قرارداد های مرابحه، جریمه ای برای خریدار، هر صورت قصور از پرداخت بهای کالای مورد توافق در نظر بگیرد اما طبق قوانین شرع استفاده از جریمه به عنوان ضایع در مذهب بانک اسلامی مجاز نیست و باید صرفت مصارف خیریه شود.

۷) مرابحه شامل اجزا و مراحل مختلف است و خود قرارداد

همان گونه که مشتری متعهد به خرید کالا است، بانک نیز باید متعهد به تحویل کالای مورد معامله در قرارداد مرابحه در زمان و مکان معین و با ویژگی های مشخص شده در قرارداد، به مشتری باشد

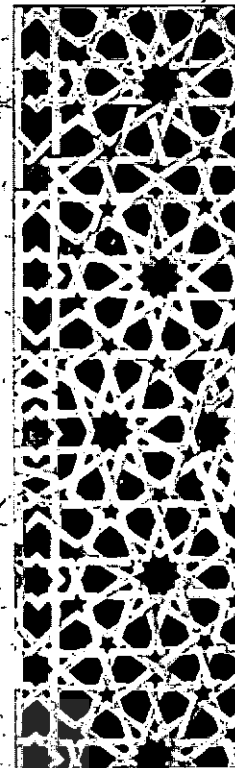
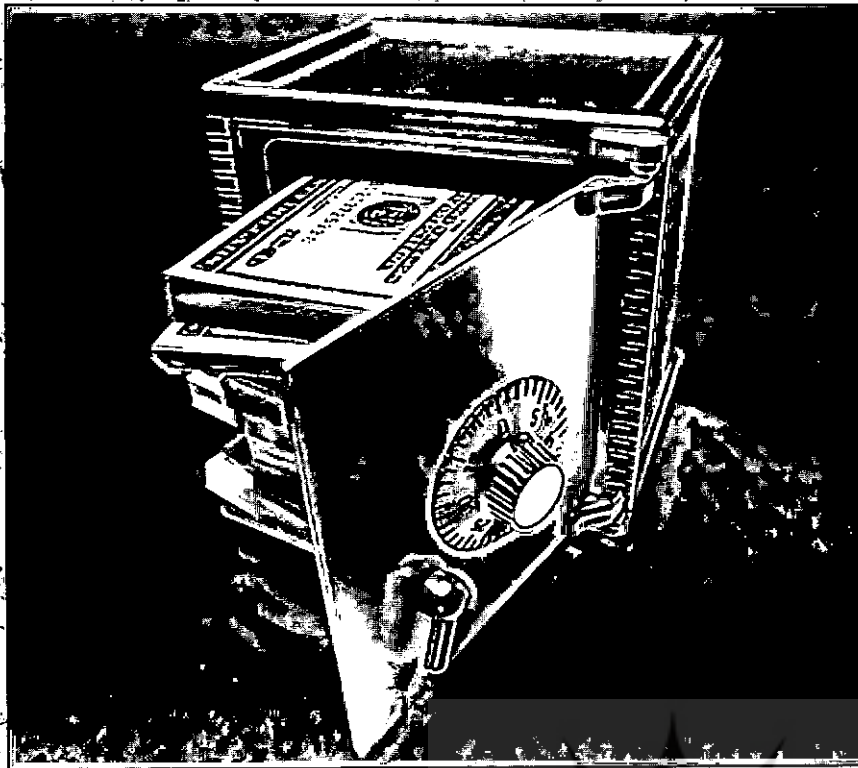
کالا را امضا کرده و هزینه کالا و شرایط تحویل نیز مورد مذاکره قرار می گیرد.

۴) صادر کننده ترتیبی را اتخاذ کرده تا کالاهای صادر شده و اسناد مربوطه را به بانک طرف معامله در خارج کشور تحویل می دهد. همچنین می تواند کالاهای منتقل شده و بانک طرف معامله نیز بانک داخلی را مطلع ساخته و اسناد را نیز می فرستد.

۵) بعد از تایید مالکیت کالاها توسط بانک داخلی (که مالکیت اسناد این متضاله را نشان می دهد)، قرارداد فروش میان مشتری

۶) قرارداد مرابحه در قرارداد های مرابحه، جریمه ای برای خریدار، هر صورت قصور از پرداخت بهای کالای مورد توافق در نظر بگیرد اما طبق قوانین شرع استفاده از جریمه به عنوان ضایع در مذهب بانک اسلامی مجاز نیست و باید صرفت مصارف خیریه شود.

۷) مرابحه شامل اجزا و مراحل مختلف است و خود قرارداد



این ریسک‌ها شامل: ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک نرخ ارز و ریسک تغییر سیاست‌های دولت است. البته به دلیل مطابقت آن‌ها با قوانین شریعت، ماهیت این ریسک‌ها دستخوش تغییراتی شده است. نوع دوم از ریسک‌هایی که نهادهای مالی اسلامی با آن روبرو هستند، ریسک‌های منحصر به این نهادهاست که غالباً بانک‌های اسلامی به دلیل ساختار منحصر به فرد دارایی‌ها و بدهی‌های خود با این گونه ریسک‌ها مواجه می‌شوند. بنابر این فرایندها و تکنیک‌های شناسایی و مدیریت ریسک در بانک‌داری اسلامی می‌بایست شامل این دو نوع ریسک شود. مخدم توجه به عوامل زیر ریسک در نظام مالی اسلامی مستقیماً بر عملکرد سودآوری شبکه مالی کشور تأثیر گذار بوده و در نتیجه مانع توسعه آن خواهد بود.

استفاده از مراهجه برای تامین مالی به دلیل گریز از ربا است و نمی‌توان گفت که مراهجه ابزار ایده‌آلی برای دستیابی به اهداف واقعی اقتصاد اسلامی است

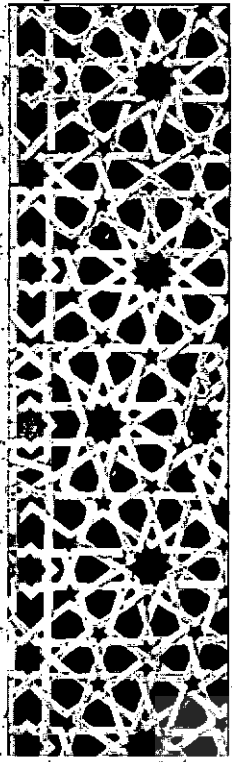
استفاده از مراهجه بی‌رای مدیریت و پوشش ریسک ریسک در مالی اسلامی و نیز مالی متعارف نوعی چالش تلقی می‌شود. از یک سو دانشمندان و متخصصان معتقدند که رشد اقتصادی بدون قبول ریسک محقق نخواهد شد، کسبی که خود را در معرض مخاطره قرار نمی‌دهد، به سودآوری نیز نمی‌رسد. این جمله اصل اول سرمایه‌گذاری است. علاوه بر آن، عدم وجود ریسک موجب از دست رفتن انگیزه‌ها می‌شود و کارایی اقتصادی را نیز به مخاطره می‌اندازد. بنابراین، برای رشد اقتصادی، ناگزیر از پذیرش ریسک هستیم. از طرف دیگر، ریسک بیش از حد

و بانک امضایی شود.

مدیریت ریسک

مدیریت ریسک پدیده‌ای نسبتاً نوپا است که پیشرفت چشم‌گیری از چند دهه اخیر در صنعت بانک‌داری جهانی به وجود آورده است. لکن، در بانک‌داری اسلامی تلاش‌چندانی برای مدیریت ریسک و مواجهه با خطرات احتمالی که این بانک‌ها را تهدید می‌کند صورت نگرفته است. دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها دولتی بودن بانک‌های اسلامی در برخی از کشورها، عدم آگاهی کافی از مبانی اسلامی، جدید بودن دانش مدیریت ریسک و نظایر آن است.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهادهای مالی اسلامی (از جمله بانک‌داری اسلامی) مدیریت اثربخش ریسک‌های مختلفی است که این نهادها با آن مواجه هستند. مدیریت ریسک به عنوان یکی از عوامل اساسی در رشد و بقای صنعت مالی مطرح شده است. این ریسک‌ها ناشی از معاملات و خدمات مختلفی است که توسط این نهادها ارائه می‌شود. از زمان پیدایش بانک‌داری اسلامی مدیریت ریسک به عنوان یکی از نیازمندی‌های عمده این صنعت مطرح بوده است. هم‌چنین نظریات متفاوتی در زمینه ماهیت ریسک در بانک‌داری اسلامی و نحوه شصابت و تفاوت آن با ماهیت ریسک در بانک‌داری متعارف پدید آمده است. نهادهای مالی اسلامی غالباً با دو نوع ریسک مواجه هستند: اولین نوع از ریسک‌ها، ریسک‌های معمول در بانک‌داری متعارف است.



قرارداد را در معرض ریسک تغییرات نرخ بازده، یا افزایش و کاهش قیمت قرار می دهد. در حقیقت هم تأمین مالی کننده و هم خریدار در این قرارداد در معرض ریسک تغییرات نرخ بازدهی دارایی مورد معامله در قرارداد هستند و تمایل دارند که خود را در برابر این ریسک پوشش دهند. تغییرات نرخ بازده موجب تغییر در دیون شده و این تغییر نیز باعث تغییر در مبالغ اقساط پرداختی خواهد شد. اگر نرخ بازار افزایش پیدا کند، هر دو طرف قرارداد توافق می کنند که به صورت مشترک، مبلغ اقساط را افزایش دهند و بنابراین دیرتر گواهی خواهد شد. بر عکس، اگر نرخ بازار کاهش یابد، دو طرف قرارداد توافق می کنند که مبلغ اقساط را کاهش دهند و در نتیجه دیرتر طولانی تر خواهد شد.

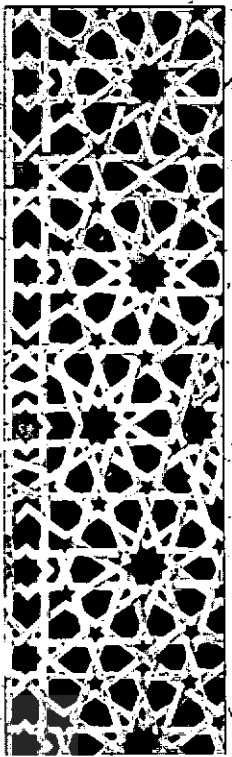
در واقع برای پوشش ریسک تغییرات نرخ بازده دو سناریو می توان در نظر گرفت. اگر نرخ بازدهی افزایش یابد، هر مشتری در عوض کاهش مانده حساب خود می بایست قسط بیشتری پرداخت کند. با پرداخت اقساطی با مبالغ بیشتر، مشتری سرعت پرداخت بدهی خود را بالا می برد و از پس روز میدت قرارداد کاهش می یابد. از نگاه تأمین مالی کننده، او وجه نقد بیشتری به دست می آورد و می تواند آن وجه را با نرخ بازدهی بالاتری در بازار به کار گیرد. اگر نرخ بازدهی کاهش یابد، مشتری اقساطی با مبالغ پایین تر پرداخت می کند. بنابراین طول دوره پرداخت اقساط افزایش می یابد. تأمین مالی کننده نیز مقصداری از نقدینگی خود را از دست می دهد، اما از پرداخت های آتی پیش بینی شده اطمینان پیدا می کند. در هر کدام از موارد بالا، مجموع بدهی ثابت است و به هر صورت افزایش نمی یابد. آن چیزی که تغییر می یابد مقدار اقساط و به تبع آن، زمان سررسید است. به بیان دیگر، تغییرات نرخ بازدهی در تغییرات مدت قرارداد (سررسید قرارداد) منعکس می شود. هیچ نوع مبلغی اضافه بر آن چه که در قرارداد تعیین شده مدت زمانی که طول می کشد تا اصل مبلغ وام یا بدهی 11-12 برگشت داده شود.

بانک می تواند در قراردادهای مرابحه، جریمه ای برای خریدار، در صورت قصور از پرداخت بهای کالای مورد توافق در نظر بگیرد اما طبق قوانین شرع استفاده از جریمه به عنوان منابع درآمدی بانک اسلامی مجاز نیست و باید صرف مصارف خیریه شود.

جزء موانع سرمایه گذاری است و رشد اقتصادی را نیز کاهش خواهد داد. پوشش ریسک به معنای احتیاط از ریسک نیست، بلکه به معنای کاهش ریسکی است که نهادهایی مالی بر اثر نوسانات نرخ حرکت آتی متغیرهایی نظیر نرخ بازده داراییها، نرخ بهره، نرخ نقدینگی، نرخ برابری ارزها و ... با آن روبرو هستند. یکی از مشکلاتی که برای ابزارهای مالی متعارف با پوشش ریسک (مبتعات) وجود دارد این است که این ابزارها هم برای اهداف پوشش ریسک و هم برای سفته بازی به کار می روند. ابزارهای متعارف پوشش ریسک نمی توانند بین این دو هدف جدایی به وجود آورند. آمار و ارقام نشان می دهد که این ابزارها در ۹۷٪ از موارد برای سفته بازی مورد استفاده قرار می گیرند و تنها در ۳٪ از موارد برای اهداف پوشش ریسک به کار می روند. حال سوال اینجاست که چگونه می توان پوشش ریسک را بدون تحمل هزینه های سفته بازی انجام داد؟ ابزارهای مالی اسلامی گزینه خوبی برای پوشش ریسک و در عین حال مصونیت از هزینه های سفته بازی می باشند. یکی از مهم ترین ابزارهایی که بدین منظور استفاده می شود، مرابحه است. مهم ترین ریسک هایی که در قراردادهای فروش با قیمت موجه، نظیر مرابحه وجود دارد ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک نرخ بازده می باشد. ریسک اعتباری عمدتاً به همان شکل ریسک اعتباری در بانکداری متعارف مدیریت می شود. بانک می تواند برای حفظ سرمایه گذاری های خود وثیقه یا تضمین های مناسبی را در نظر بگیرد. در صورت مواخه شدن یا مواردی نظیر مطالبات معوق، گرفتن وثیقه از مشتری یا اضافه کردن به بدهی آن ها چندان کارساز نیست. دلیل آن نیز بسیار ساده است: اگر یک مشتری توانایی یا تمایل برای پرداخت (مثلاً ۱۰۰ دلار) نداشته باشد احتمالاً تمایل کمتری برای پرداخت (مثلاً ۲۰۰ دلار) نیز خواهد داشت. مطالبه بدهی، انگیزه کمتری به مشتری نسبت به بازپرداخت آن ایجاد می کند. راه حل مستقیمی که در برخی از بانک های اسلامی مشهوره با موفقیت انجام شده است، تغییر شیوه مستقیم به درآمد مشتریان است. بنابراین، بانک می تواند مقدار بدهی را درست، سر موقع کم کند. نرخ تخلف در چنین بانک هایی بدون در نظر گرفتن جرائم تأخیر کمتر از ۰.۳ درصد است.

ریسک نرخ بازدهی یکی مشتری وادار نظر بگیرد که از طریق وارد شدن در یک قرارداد مرابحه، یک دارایی خود را در صورت بدهی پولی است، بنابراین نمی تواند افزایش داشته باشد. این مساله بدین معنی است که مطابق با احکام شریعت، گرفتن نرخ بهره شانور بر روی قراردادهای فروش موجه جایز نیست. برای بدهی بلندمدت نرخ بازده شانور، دو طرف

deferrd-price sale



است پرداخت نمی شود. به دلیل آن که این تغییرات در زمان تغییر نرخ بازده (بهره) و با توافق طرفین صورت می گیرد، هیچ کدام از طرفین دچار اکل مثال به ناطل نمی شوند. مبلغ بالاتر اقساط برای تأمین مالی کننده، نقدینگی فراهم می سازد، اما طول دوره سررسید را کاهش می دهد. از طرفی، اقساط با مبلغ پایین تر، نقدینگی را برای مشتری فراهم می کند، اما طول دوره سررسید افزایش می یابد. در نتیجه این نوع قرارداد، حقوق تعهدات هر دو طرف را به صورت مشارکتی تعدیل می کند.

ریسک نقدینگی

از آن جا که قیمت مؤجل در قرارداد مراحه، یک بدهی پولی است، از منظر قوانین اسلامی فروش آن در برابر وجه نقد ممنوع است. این مطلب به این معناست که مطالبات بلندمدت بانک ها یا ریسک نقدینگی مواجه خواهد شد. به بیان دیگر بانک ها قادر نیستند بدهی مشتریان خود را به نقدینگی تبدیل کنند یا به پشتوانه آن ها، اوراق بهادار صادر کنند. حداقل دور راه را برای این مشکل می توان در نظر گرفت. راه حل اول این است که بدهی به جای این که با وجه نقد مبادله شود، با کالا مبادله شود. بانک ممکن است از بدهی موجود (که با کالا مبادله می شود) برای پرداخت ذارایی ها و یا بدهی هایی استفاده کند که می خواهد از طریق مراحه تأمین مالی کند.

در این روش بدهی به شکل مناسبی تنزیل خواهد داشت و هیچ مشکلی را ایجاد نمی کند. مبادله بدهی با کالا (دین یا غنیمت) بر اساس عقاید مکتب مالکی و هم چنین ابن تیمیّه مورد پذیرش است. راه حل دوم ترکیب بدهی پولی با ذارایی واقعی در یک پرتفوی است. در این پرتفوی، وزن بدهی کمتر از ۵۰٪ است و به پشتوانه این پرتفوی می توان اوراق بهادار منتشر کرد. فقهای اهل سنت، این روش را تأیید کرده اند. به دلیل آن که بخش عمده این پرتفوی از ذارایی های واقعی تشکیل شده است، که می توان آن را با وجه نقد معامله کرد.

تنوع بخشی قراردادهای با قیمت مؤجل
یکی از متداول ترین راه حل ها در مساله ریسک نقدینگی ابزار مراحه تنوع بخشی قیمت مؤجل است. یک قرارداد مراحه را

برای شرکت یا بخش دولتی با سررسید پرداخت ۲۰ ساله و نرخ بازدهی مثلاً ۵.۲٪ تصور کنید. این مثال بیان گر آن است که افزایش قیمت، معادل ۵۱٪ کل پرداخت هاست. در حالی که قیمت اسمی (اصل قرارداد) آن می باشد به جای این که کل بدهی به صورت بدهی پولی باشد، افزایش قیمت جبرانی می تواند بر مبنای نرخ توافقی بر روی ذارایی واقعی بالا رود. افزایش قیمت جبرانی می تواند یک مقدار تعریف شده از هر کالا، سهام، یک واحد صندوق، یا هر ترکیب دیگری باشد. این ساختار منافع زیر را برای تأمین مالی کننده ایجاد می کند:

۱- اولاً به دلیل آن که ۵۱٪ از قیمت مؤجل ذارایی های واقعی سرمایه گذاری شده است، این قیمت نقدی است. بنابراین می توان این قیمت را با وجه نقد معامله کرد. هم چنین به پشتوانه این قیمت می توان اوراق بهاداری در شکل صندوق منتشر کرد.

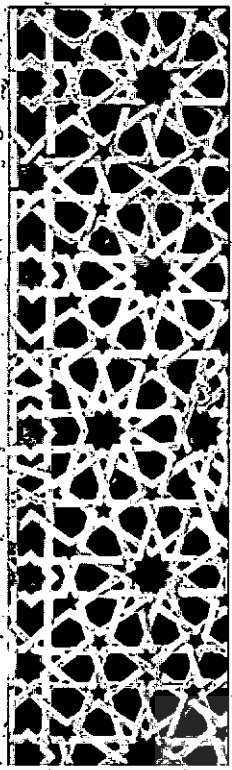
۲- ثانیاً، قیمت ذارایی های واقعی به صورت غیر مستقیم بیه تأمین مالی کننده اجازه می دهد که بازدهی های متناسب با بازدهی بازار را کسب کند. بازدهی بالای بازار به شکل قیمت های بالاتر منعکس می شود و برعکس. این روشن نسبت به نرخ بازدهی شناور ارزشمندتر است. به دلیل آن که نرخ شناور نمی تواند کاهش قیمت ارز را جبران کند. برای مثال شاخص دلار آمریکا در تالار معاملات نیویورک بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دلار ۲۰٪ افزایش ارزش داشته است. علاوه بر آن شاخص کالای داو جونز (DJ) در همان دوره با ۶۰٪ رشد مواجه شده بود. تعیین نرخ شناور برای بدهی دلاری نتوانست کاهش ارزش آن را پوشش دهد (مخصوصاً با کاهش که بر روی نرخ بهره دلار پدید آمد). با استفاده از بدهی هایی که تنوع بخشی، در مورد آن ها صورت گرفته بود بخش عمده کاهش ارزش دلار پوشش داده شد.

ریسک نرخ ارز در مراحه

تنوع بخشی، نوعی پوشش ریسک غیر مستقیم در مقابل نوسانات نرخ ارز است. یکی از راهکارهایی که در پوشش ریسک نرخ ارز وجود دارد، انتقال ریسک به طرف مقابل با استفاده از قرارداد مراحه است. اگر طرف مقابل ما یک شخصیت حقیقی یا حقوقی غیر مسلمان در بازار باشد، آنگاه احتمالاً به ابزارهای متعارف نیز متوسل خواهد شد. برای نمونه، اگر یک بانک اسلامی، قرارداد مراحه ای را با یک مشتری بی پایه یورو امضا کند، آن سازمان به بانک یورپایه دلار باشد، مشتری (بدهکار) می بایست بدهی خود را به جای یورو به صورت دلاری پرداخت کند. روشن است که مشغول این ریسک را نمی پذیرد، بنابراین مشتری مذکور احتمالاً وارد یک بیمه آتی^{۱۵} با بانک بومی که کشور خود

از آن جا که قیمت مؤجل در قرارداد مراحه، یک بدهی پولی است، از منظر قوانین اسلامی فروش آن در برابر وجه نقد ممنوع است.

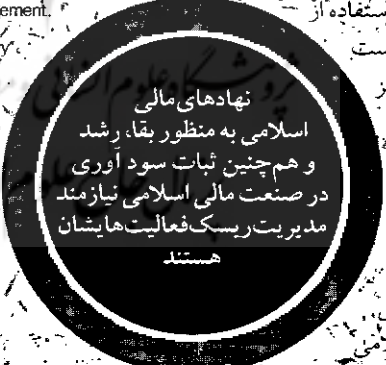
13 Sukuk
14 New York Board of Trade
15 Forward



خواهد شد. بانک معارف مذکور نیز یک نهاد پرداخت دلاری برای بانک اسلامی منتشر می کند. هزینه های چنین قراردادهایی شامل قیمت گذاری یک معامله می شود. اگر مشتری، بانک یا نهاد دیگر اسلامی باشد که امکان استفاده از پیمان اتی برای او را ندارد، معامله می تواند از طریق «مراجعه موازی» انجام گیرد. بانک اسلامی وام را به صورت دلاری در اختیار بانک مشتری می گذارد. (به از می فروشد) که در عوض این بدهی را به صورت یورو به خود مشتری فروشد. این نوع قرارداد «مراجعه موازی» می تواند به وسیله یک نهاد سنتی یا بانک اسلامی تازمانی که تمایل به پذیرفتن چنین ریسکی وجود دارد، انجام شود.

نتیجه گیری یکی از مطلوب ترین ترین اهداف نظام مالی اسلامی پوشش ریسک است. پوشش ریسک معمولاً به معنای حداقل سازی ریسکی است که ذینفعان بازار مالی در معرض آن قرار دارند. نهادهای مالی اسلامی به منظور بقا، رشد و همچنین ثبات سودآوری در صنعت مالی اسلامی نیازمند مدیریت ریسک هستند. فعالیت هایشان هستند. متخصصان مالی معتقدند که ریسک را نمی توان از فعالیت های اقتصادی حذف کرد ولی می توان آن را مدیریت کرد. یکی از چالش های اصلی که در استفاده از ابزارهای مالی معارف برای پوشش ریسک وجود دارد این است که با استفاده از این ابزارها به منافع توزیع ریسک دست یابیم، اما از این ابزارها برای اهداف سنتی بازی استفاده نشود. ابزارهای سنتی به طور عمده مشتقات نمی توانند پوشش ریسک را از سفته بازی جدا کنند، آن ها به صورت غیر متمایز برای هر دو هدف قابل استفاده اند و تقریباً ۹۷٪ آن ها، برای سفته بازی مورد استفاده قرار می گیرند. چگونه ما می توانیم ارزش پوشش ریسک و مدیریت ریسک را بدون تحمل هزینه های سفته بازی

داشته باشیم؟ صنعت مالی اسلامی با توجه به اصول و قواعد اسلامی ابزارهایی طراحی کرده است که با استفاده از آن ها می توان به اهداف پوشش ریسک دست یافت در حالی که از مضرات سفته بازی نیز در امان بود. یکی از این ابزارها «مراجعه موازی» است که به صورت یک قرارداد خرید و فروش برای تأمین مالی یک دارایی است، که در آن طرفین از هزینه ها و حاشیه سود اطلاع دارند و در مورد آن به توافق رسیده اند. که از این ابزار می توان به منظور پوشش برخی از ریسک های فرسوم در صنعت مالی اسلامی نظیر ریسک تغییرات نرخ بازده، ریسک نقدینگی و ریسک نرخ ارز استفاده کرد.



نهادهای مالی اسلامی به منظور بقا، رشد و همچنین ثبات سودآوری در صنعت مالی اسلامی نیازمند مدیریت ریسک فعالیت هایشان هستند

فهرست منابع و مآخذ

- 1- Sami al-suwailim, "Hedging in Islamic finance", Islamic Development Bank, 2006
- 2- Tariqullah Khan Habib Ahmed, "Risk Management: an analysis of issues in islamic financial industry", Islamic Development Bank, 2001
- 3- Leqman Muhammad, "A brief note on the islamic financial system", managerial finance department of finance, university of chittagong, Bangladesh.
- 4- Iqbal, Zamir (1997), "Islamic Financial System", Finance & Development.
- 5- Ahmad, Ahsaf, "Contemporary practices of Islamic financing techniques", IRTI, Islamic Development Bank.
- 6- Sullivan, R. (2005) "Why Options?", at www.optionsxpress.com.
- 7- Institute of Islamic Banking and Insurance, www.islamic-banking.com/shariah/sr-murabahah.php
- 8- www.ibu.com/buy-home/murabahahow.htm
- 9- www.answers.com